

سورة الاستقلال

از آثار حضرت بهاء الله در ادرنه

وحید رأفتی

جناب فاضل مازندرانی علیه رضوان الله در کتاب نفیس "اسرار الآثار" خود در ذیل چند لغت به شرح معانی آن لغات پرداخته، و به عباراتی از "سورة الاستقلال" استشهاد فرموده‌اند. مثلاً در ذیل لغت "خَرَّيْخِرٌ" چنین مرقوم داشته‌اند:

«ماضی و مضارع عربی از مصدر خَرَّ و خُرور به معنی افتادن... در سورة الاستقلال: "و اذا تتلى عليهم يَخِرُّون على الذقن"». (۱)

و در ذیل لغت "فَخَفَحَتْ" چنین مرقوم فرموده‌اند:

«عربی به معنی افتخار بیهوده و بادبروت. در لوح سورة الاستقلال است: "سبحان الَّذی رفع هذا السَّماء بغير عمد و رَحَى الارض على الماء و سَخَّر الاریاح و صرَّف الآيات و استقرَّ البحار و جرى عليها السَّفن و انطق كلَّ شیء بما انطق الوراقاء فی جبروت البقاء و ينزل لمن یشاء ما یحفظه عن رمی الشَّقَاء و یحرسه عن فخفحات الزمن". الخ

تلویح به این است که معانی رمزیه روحانیّه جمل مذکور قرآن تحقّق یافت». (۲)

و در ذیل لغت "قُنن - قِنان" چنین مرقوم داشته‌اند:

«قُنن - قِنان... جمع قنّه به معنی قلّه و در سورة الاستقلال: "و تُنسف عنها القنن"، یعنی جبال اوهام به آیات منحل و مضمحل گردد». (۳)

و بالاخره در ذیل کلمه "نَخِرَة" در "اسرار الآثار" چنین آمده است:

«نَخِرَة - در سورة الاستقلال از الواح ادرنه است و یبعث كلَّ عظام نخرة به معنی کهنه و پوسیده». (۴)

چند عبارت فوق که عیناً از مجلّدات مختلفه کتاب "اسرار الآثار" جناب فاضل مازندرانی نقل گردید جای شبهه باقی نمی‌گذارد که اثری از آثار جمال قدم که به تصریح جناب فاضل در ادرنه عزّ نزول یافته در نزد ایشان و شاید دیگر قدمای احبای الهی به "سورة الاستقلال" اشتها داشته و آن جناب به تناسب مقام به عبارات و آیاتی از این اثر در شرح معانی لغات مختلفه استشهاد

فرموده‌اند. آنچه مسلم است نامی از "سورة الاستقلال" و یا "لوح الاستقلال" در صورت آثار مبارکه حضرت بهاء الله که به وسیله حضرت ولی امرالله تهیه و در مجلّات کتاب "عالم بهائی" (۵) مندرج گشته به چشم نمی‌خورد اما در صورت مزبور اثری به نام "لوح زین المقرّبین" مندرج گشته که محتملاً منظور از آن همان "سورة الاستقلال" است، چه تمام عباراتی که در "اسرارالآثار" به نقل از "سورة الاستقلال" نقل شده و در سطور فوق همه آنها نقل گردید در لوحی از جمال قدم ملاحظه می‌گردد که به اعزاز جناب زین المقرّبین عزّ نزول یافته و شامل این عبارت است که: "... لا تكونوا فی مریة بعد الذی اتی الجمال علی ظلل الاستقلال...".

این عبارت محتملاً جناب فاضل را به آن سوق داده است که لوح مزبور را "سورة الاستقلال" بنامند و با همین عنوان به عبارات و آیاتی از آن استشهاد فرمایند. واضح است که جناب زین المقرّبین مخاطب الواح عدیده از قلم جمال قدم بوده‌اند که هر یک از آنها می‌تواند مصداق "لوح زین المقرّبین" مندرج در صورت الواح مبارکه‌ای باشد که در مجلّات کتاب عالم بهائی به طبع رسیده است.

سورة الاستقلال چنانچه از مطالعه متن آن به خوبی مستفاد می‌گردد اثری در شرح و بیان عظمت الهی و قوه قدسیه مکونه در ظهورات الهیه است. اهمیّت ظهور الهی با قدرت و استقلال ملکوتی و قوه خلاقه کلمه الهیه که در کمون مظهر ظهور به ودیعه نهاده شده و فتن و امتحاناتی که با تجلیات ظهور همراه و هم عنان است در این سوره مورد تلمیح و اشاره قرار گرفته است. سورة الاستقلال به طور ضمنی شارح این اصل اساسی نیز هست که چگونه مصادیق بشارات و انذارات و اشارات کتب مقدسه قبل مخصوصاً قرآن مجید به تحقّق پیوسته است. لزوم احتراز از اهل نقض و شقاق و پیروان هوی و هوس در این اثر منیع تصریح شده و تأثیرات آفاقی و انفسی ظهور و دعوت خلق به معرفت مظهر امر الهی و مقام اهل ایمان و یقین که از آنان به ساکنین رضوان تعبیر شده از عمده مطالب دیگر مندرج در این اثر منیع است.

انذارات به اهل شرک و نفاق و عاقبت حال و خسران و زیان منافقین نیز در این لوح مورد اشاره قرار گرفته و به صراحت تام به این مطلب تصریح گردیده است که در این یوم ظهور برای احدی مفری و مقام امنی جز حصن حصین امرالله وجود ندارد. توصیف حال و موقعیّت نفوسی که در معرفت ظهور جدید متوقّف مانده‌اند و اشاره به این مطلب که مندرجات لوح مبارک نظیر آب

حیات مایه نشاط و یا به منزله شیر عامل رشد و نمو وجود بشری است از نکات دیگر مندرج در این اثر مبارک است.

استفاده از تلمیحات و استعارات و اصطلاحات و تعابیر قرآنی و منطوق احادیث اسلامی از مشخصات عمده این لوح نفیس است. گویی جمال قدم در سورة الاستقلال ابواب جدیدی برای درک کیفیت معانی و مفاهیم بسیاری از مندرجات قرآن و احادیث اسلامی را گشوده‌اند و بدون آن که به شرح و بسط مفصل این تعابیر پردازند تحقیق آن مفاهیم را در ظهور جدید و جلوات و ثمرات و اثرات آن دانسته‌اند.

تا آنجا که بر این حقیر معلوم است اثر مورد مطالعه یعنی لوح جناب زین المقرئین و یا بنا به قول جناب فاضل "لوح سورة الاستقلال" و یا "سورة الاستقلال" تاکنون در مجلّات متداول الواح جمال قدم انتشار نیافته است. با توجه به این مطلب در سطور ذیل عباراتی از این سوره مبارکه را نقل می‌نماید و سپس درباره بعضی از اصطلاحات و لغات و تعبیرات مندرج در این عبارات نکاتی را با خوانندگان گرامی در میان می‌گذارد. در ارائه توضیحات مورد نظر هدف اصلی آن است که مفاهیم و سوابق قرآنی موجود در سورة الاستقلال حتی المقدور روشن و واضح گردد.

در این مقام توضیح این مطلب ضروری است که نسخه‌ای از سورة الاستقلال که عباراتی از آن در این اوراق به طبع رسیده با تشکر و امتنان و فیر به لطف جناب رمزی زین در اختیار حقیر قرار گرفته است. این نسخه متعلق به مجموعه الواح مبارکه‌ای است که جدّ بزرگوار ایشان یعنی جناب زین المقرئین مخاطب آنها بوده و در عائله بازماندگان آن نفس نفیس به جا مانده است.

عبارات مأخوذ از سورة الاستقلال و توضیحات آن به شرح ذیل است:

۱- در مطلع سورة الاستقلال چنین مذکور است: "فسبحان الذی رفع هذا السّماء بغیر عمد...".

در آیه ۲ سوره رعد-۱۳ چنین آمده است که: "الله الذی رفع السّموات بغیر عمد ترونها ثمّ استوی علی العرش...". مفهوم کلام الهی آن که "خداوند کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید برافراشت، سپس به عرش استیلا یافت...". (۶)

۲- در سوره مبارکه آمده است که: «دحی الارض علی الماء...».

در احادیث اسلامی (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۴۵) آمده است که: «... الحمد لله الذی سدّ الهواء بالسماء و دحی الارض علی الماء و اختار لنفسه الاسماء الحسنی...» (۷)

۳- در سوره الاستقلال می فرمایند: «... صرف الآیات...».

در قرآن به کرات و به صور مختلف به "صرفنا الآیات" و "نصرف الآیات" تصریح شده است. شرح و بسط مفصل مطالب درباره "صرف/انصراف" در دانشنامه قرآن (ج ۲، ص ۱۳۷۲-۱۳۷۳) (۸) مذکور است. یکی از مفاهیم این اصطلاح تبیین کردن روشن و آشکار گفتن و زدودن ابهام و شبهات از مطلب است.

۴- در سوره الاستقلال است که: «نطق الوراق فی جبروت البقاء».

ورقاء نظیر عندهایب و بلبل از جمله پرندگان است که مظهر امر الهی خود را به آن توصیف نموده است. در اصطلاح اهل عرفان و رقاء عبارت از نفس کلیه است که قلب عالم و لوح محفوظ است و بعضی گویند نفس ناطقه است (فرهنگ تعبیرات عرفانی، ص ۴۸۶) (۹).
جناب فاضل مازندرانی در "اسرار الآثار" (ج ۵، ص ۲۹۳) شرحی درباره و رقاء مرقوم فرموده و از جمله نوشته اند: «... کبوتر و به تشبیه بر نفس ناطقه و روح قدسی اطلاق گردید...».
جبروت که در کلام الهی آمده است بنا بر "فرهنگ تعبیرات عرفانی"، ص ۱۵۱، حدّ فاصل میان جهان ملک و ملکوت است. جناب فاضل مازندرانی نیز نوشته اند که جبروت: «عربی جبر و قهر و قدرت آکیده و به اصطلاح ارباب علوم عقلیه عالمی از عوالم نامحسوس الهی».
(اسرار الآثار، ج ۳، ص ۸).

۵- جمال قدم در فقره ای از سوره الاستقلال می فرمایند: «... قل یا قوم اتقوا الله و لاتکونوا فی مرية بعد الذی اتی الجمال علی ظلل الاستقلال و ینطق فی کلّ حین بآیات الّتی تنفطر عنها السّماء و

تنشق اراضی الکبر و تنسف عنها القنن...». و در موضع دیگری از این سوره مبارکه چنین مذکور است: «...تنفطر فيه السماء و تندک الرّعن».

در آیه ۹۰ سوره مریم-۱۹ چنین مذکور است: «تکاد السّموات یتفطرن منه و تنشق الارض و تخرّ الجبال هدّاً». مفهوم آیه مبارکه آن که: نزدیک است که آسمان‌ها از ناروائی آن پاره پاره شوند و زمین بشکافد و کوه‌ها خرد شده فروریزند.

و در آیه ۱۰ سوره مرسلات-۷۷ است که: «و اذا الجبال نسفت». معنی آن که: کوه‌ها بر باد رود. و در آیه ۱۰۵ سوره طه-۲۰ چنین آمده است: «و یستلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفاً». معنی آن که: از تو درباره کوه‌ها می‌پرسند بگو پروردگام آنها را پخش و پریشان می‌کند. و نیز در آیات ۱۳-۱۴ سوره حاقه-۶۹ می‌فرماید: «فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة و حملت الارض و الجبال فدکّتا دکّة واحدة». مفهوم کلام الهی آن که: چون در صور دمیده شود زمین و کوه‌ها برداشته شده و یکباره در هم کوبیده شوند.

۶- در سورة الاستقلال ذکر «... استقرّ البحار و جرى علیها السفن...». و نیز ذکر "اهل سفن الکبریاء" شده است.

جناب فاضل مازندرانی در "اسرارالآثار" (ج ۴، ص ۱۴۷-۱۴۸) در ذیل "سفینه حمراء" چنین مرقوم فرموده‌اند:

«سفینه عربی و کشتی فارسی در اصطلاح عرفاء به اقتباس از قصه نوح مفصل در تورات و قرآن نام و لقب طریقه هدایت و آئین گردید و در ادبیات عربی و فارسی به تشبیه و استعاره با تلویح به قصه مذکوره همی اطلاق بر اموری مانند آن شد و روایت مأثوره نبویه "مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من ترکها غرق" به منزله ضرب المثل گشت و بدین طریق ذکر سفینه و خصوصاً سفینه حمراء به دلالت بر محلّ توجه و درخشندگی بودن و طریق انقطاع و فداکاری پیمودن در آثار این امر به غایت کثرت گردید...».

همان طور که جناب فاضل اشاره نموده‌اند بر اساس آیات نازله خطاب به حضرت نوح و ساختن کشتی و محفوظ ماندن آنان که به کشتی نوح در آمدند، کشتی الهی رمزی از فلاح و نجات

و رستگاری و مصونیت در مقابل حوادث و عوارض دنیوی است. چنان که در حکایت حضرت نوح در آیه ۱۵ سوره عنکبوت-۲۹ در قرآن مجید چنین آمده است: «فانجیناه واصحاب السفینة و جعلناها آية للعالمین». معنی آیه کریمه آن که: نوح و کشتی نشینان را نجات دادیم و آن را مایه عبرت جهانیان گردانیدیم.

در اشاره به این قضایا و یادآوری سفینه نوح جمال قدم در یکی از الواح مبارکه ("آثار قلم اعلیٰ"، ج ۷، ص ۳۶۶) چنین میفرمایند:

«اذأ ینادی قلم الاعلیٰ بان ابشروا یا ملأ الوفا بما جرت فلک الحمرا علی لجة الاسماء و ركب علیها اهل البهاء باذن الله المقتدر المهیمن القیوم و انتم یا اهل الله لاتحرموا انفسکم عن اللذخول فیها و التمسک بها تالله من تمسک بها فقد نجی و من اعرض فقد کفر بالله و کذلک جرى الامر ان انتم تعلمون...».

برای ملاحظه شرح مفصل مطالب مربوط به سفینه و سفینه الله به صفحات ۲۸۹-۲۹۳ کتاب "یادنامه مصباح منیر" (۱۰) مراجعه فرمائید. شرح مطالب مربوط به سفینه نوح در صفحه ۱۲۰۴ کتاب "دانشنامه قرآن"، ج ۲، نیز آمده است.

۷- در سورة الاستقلال آمده است که: «اخرجت الارض کنوزها».

این بیان مبارک و عبارت دیگر مندرج در این سوره، یعنی «... تلك الايام التي اخذت الارض و سکاؤها زلازل و فتن» یادآور آیات صدر سوره زلزال در قرآن است که می فرماید: «اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها». معنی آیات آن که: آن گاه زمین به زلزله ای لرزانده شود و بارهایش را بیرون ریزد.

۸- جمال قدم در فقره دیگری از سورة الاستقلال می فرماید: «... شقت ارض الملك و الملكوت و اشرفت سموات الامر بنور ربها...».

این فقره از سورة الاستقلال یادآور آیه شماره ۲۶ در سوره عبس- ۸ است که می فرماید: «ثم شققنا الارض شققا» و آیه شماره ۶۹ در سوره زمر- ۳۹ که می فرماید: «و اشرفت الارض بنور ربها و

وضع الكتاب و جئ بالنبيين و الشهداء و قضى بينهم بالحقّ و هم لا يظلمون». مفاد معانی فارسی آیات مبارکه آن که: زمین را بر شکافته ایم و سراسر عرصه محشر به نور پروردگار درخشان گردد و نامه اعمال بندگان در میان نهاده شود و پیامبران و گواهان را به میان آورند و بین مردم به حقّ داوری شود و بر آنان ستم نرود.

ملک و ملکوت که در عبارت منقول از سوره مبارکه آمده است عالم شهادت و عالم غیب است. نصوص مبارکه درباره این عوالم را می‌توان در "یادنامه مصباح منیر"، ص ۴۱۷-۴۱۹ مطالعه نمود.

۹- جمال قدم در فقره دیگری از سوره الاستقلال می‌فرماید: «... یا قوم أ فغیر الله تتخذون لأنفسکم الها...».

عبارت فوق یادآور آیتی در قرآن مجید است که مثلاً می‌فرماید: «قل أ غیر الله ابغی رباً و هو ربّ کلّ شیء». (آیه ۱۶۴ در سوره انعام-۶) و در سوره اعراف-۷ آیه ۱۴۰ می‌فرماید: «قال أ غیر الله ابغیکم الها و هو فضلکم علی العالمین». و نیز در آیه ۲۴ سوره انبیاء-۲۱ می‌فرماید: «أم اتخذوا من دونه آلهة قل هاتوا برهانکم...».

مفهوم آیه سوره انعام آن که: آیا جز خداوند پروردگاری بجویم و او پروردگار همه چیز است. و معنی آیه سوره اعراف آن که: آیا جز خداوند را خدای شما پسندم، حال آن که او شما را بر جهانیان برتری بخشیده است. و معنی آیه سوره انبیاء آن که: آیا به جای او خدایانی را به پرستش گرفته‌اند؟ بگو برهانتان را بیاورید.

۱۰- در سوره الاستقلال چنین مذکور است که: «... اذا تجدون المنافقین فی هاویة القهر...».

برای ملاحظه شرح مطالب درباره "منافق" و خصائل و صفات منافقین می‌توان به آثاری نظیر "دانشنامه قرآن" (ج ۲، ص ۲۱۵۹) مراجعه نمود. منافق اصولاً به کسی اطلاق می‌شود که به زبان اظهار ایمان می‌کند و در باطن کفر خود را پنهان می‌دارد. در حقّ منافقین در قرآن توبیخ و تهدید شدید آمده است، چنان که در آیه شماره ۱۴۵ در سوره نساء-۴ می‌فرماید: «ان المنافقین فی الدرک

الاسفل من النار». و نیز در آیه ۱۳۸ همین سوره می فرماید: «بشر المنافقين بأن لهم عذاباً أليماً». درک اسفل در آیه فوق همان "هاویه" مندرج در آیه مبارکه سوره الاستقلال است، چه هاویه را پست‌ترین درکات جهنّم دانسته‌اند و آن را به معنی قعر جهنّم گرفته‌اند. مراجعه به مقاله "هاویه" در صفحه ۲۳۳۶ مجلد دوم "دانشنامه قرآن" برای ملاحظه معانی و مفاهیم عدیده این اصطلاح بسیار مفید تواند بود.

۱۱- در فقره دیگری از سوره الاستقلال چنین آمده است: «... قل يا ملاء المشركين أ تأوون في جبل الغل والنفاق ليعصمكم عن الشرك؟...».

شُرک در لغت به معنی هم‌تا قایل شدن برای خداوند است. قضیه توحید ذات الهی و عدم قایل شدن به شریک برای او یکی از ارکان اساسی معتقدات اسلامی است. در آیات عدیده قرآن مجید انسان نسبت به قضیه شرک تحذیر شده و به عاقبت حال مشرکان اشاره گشته است، چه ذات الهی مقدّس از آن است که کسی برای او هم‌تا قایل شود. قرآن مجید همین طور حاوی آیاتی در شرح افکار و شبهات و احتجاجات مشرکین و بیزاری خداوند از اعمال و افکار پلید آنان است. در کلمات ائمه اطهار که در ذیل "شُرک" در کتاب "معارف و معاریف" (ج ۳، ص ۱۳۱۵-۱۳۱۶) (۱۱) نقل شده شرک ممکن است به زبان اظهار شود و یا در عمل ظاهر گردد.

۱۲- در فقره‌ای از سوره الاستقلال چنین مذکور است که: «... قل تالله لا عاصم اليوم لاحد من امرالله وقضائه الا من اتاه بقلب طاهر ممتحن...».

در آیه شماره ۴۳ سوره هود-۱۱ نیز چنین آمده است: «قال ساوی الی جبل یعصمنی من الماء قال لا عاصم الیوم من امرالله الا من رحم و حال بینهما الموج فکان من المغرقین». مفهوم مطلب آن که: چون نوح فرزند خود را دعوت به ورود در کشتی نمود او گفت من در کوهی پناه می‌گیرم تا مرا محفوظ بدارد و نوح در جواب فرزند خود گفت که امروز در برابر امر الهی پشت و پناهی وجود ندارد مگر برای کسی که خداوند بر او رحمت آورده باشد. در این هنگام موجی در میان ایشان حایل شد و پسر نوح از جمله غرق شدگان گردید.

برای ملاحظه شرح مطالب درباره "قضاء" که در بیان مبارک آمده است می توان به آثاری نظیر "دانشنامه قرآن" (ج ۲، ص ۱۷۶۹-۱۷۷۱) و به ذیل "قضا و قدر" در صفحات ۳۵۰-۳۵۴ کتاب "یادنامه مصباح منیر" مراجعه نمود. یکی از معانی عدیده قضاء، تمام کردن، به انجام رساندن و حکم دادن قطعی و فیصله دادن امور است. جمال قدم در بیانی که در "یادنامه مصباح منیر" مندرج گشته است می فرمایند: «... القضاء هو حکمه المحکم المتین».

۱۳- در آیاتی از سورة الاستقلال چنین مذکور است: «... قل یا قوم ان اسرعوا الی ظلل الله و رضوانه... اولئک یرزقون من نعمة الباقیة الاحدیة الابدیة الازلیة الصمدیة الالهیة و یتوارثون جنّات العدن... اذا تجدون المنافقین فی هاویة القهر و الموحدین فی رضوان الله... و الذین دخلوا الیوم جنّة الروح هذا الفناء الذی ظهر فی هذا البقاء اولئک اخذتهم نفحات القدس...».

رضوان نام فرشته‌ای است که نگهبانی بهشت را به عهده دارد و به همین مناسبت بهشت را باغ رضوان و روضه رضوان می نامند. جنّات العدن نیز از نام‌های بهشت است. خداوند در آیه شماره ۷۲ سوره توبه-۹ می فرماید: «وعدالله المؤمنین و المؤمنات جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و مساکن طیّبة فی جنّات عدن و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم».

مفهوم کلام الهی آن که: خداوند به مردان و زنان مؤمن وعده بوستان‌هایی را داده است که جویباران از فرودست آن جاری است که جاودانه در آنند و نیز خانه‌های پاک و پسندیده‌ای در بهشت‌های عدن^۱ و خوشنودی الهی برتر از همه چیز است. این همان رستگاری بزرگ است.

جنّة الروح که در سوره استقلال مذکور شده اگرچه در قرآن مجید به عین این الفاظ موجود نیست اما خداوند در آیه شماره ۸۹ در سوره واقعه-۵۶ چنین می فرماید: «فروح و ریحان و جنّة نعیم».

مفهوم کلام الهی آن که در بهشت پر نعمت الهی هر چه هست رهائش و گشایش و سرور و انبساط است.

^۱ کلمه "عدن" به معنی جاودانه در جائی مقیم شدن است و جنّات عدن باغ‌هایی است که مقرّ دائمی اهل بهشت است.

هاویه که جایگاه منافقین تعیین شده به معنی آتش سوزان و پائین ترین طبقات جنّهم است که از آن به درک اسفل نیز تعبیر می‌شود. در فقره دیگری از سورة الاستقلال که ذیلاً درج گردیده از کسانی که در قبول امر الهی توقّف نموده‌اند به آنان که به مقرّ خود در نار راجع شده‌اند تعبیر گردیده که همان هاویه و یا آتش دوزخ است. در آیات آخر سورة قارعه- ۱۰۱ در قرآن مجید آمده است که: «و اما من خفت موازینه فامه هاویه و ما ادريک ماهیه نار حامية». مفهوم آیات الهیه آن است که: کسی که کفه‌های اعمال خیرش سبک باشد بازگشتگاه او دوزخ است و توجه دانی آن چیست؟ آتشی است بس سوزان.

همان طور که در سطور فوق اشاره شد در فقره‌ای از سورة الاستقلال درباره‌ی آنان که از قبول امر الهی امتناع نموده‌اند چنین مذکور است:

«... انّ الدّین توقّفوا فی هذا الامر... یرجعوا الی مقرّهم فی النّار کذلک نلقى علیک من اسرار الله عما ظهرو عما بطن...».

در متن عبارت سورة الاستقلال که در صدر مطالب این قسمت نقل گردید عبارت "اولئک یرزقون من نعمة الباقیة الاحدیة..." آمده است. مطالب مربوط به نعمت و انواع و اقسام آن که در قرآن مجید و احادیث اسلامی آمده و در آثار بهائی نیز انعکاس یافته مفصّل تر و مشروح تر از آن است که بتوان در این مختصر به مطالعه آن پرداخت. لذا علاقمندان به مطالعه قضایای مربوط به نعمای الهی در قرآن و احادیث اسلامی می‌توانند به آثاری نظیر "معارف و معاریف" (ج ۵، ص ۲۲۴۶-۲۲۴۸) و "دانشنامه قرآن" (ج ۲، ص ۲۲۴۷-۲۲۴۸) مراجعه فرمایند.

در این مقام بیان جمال قدم را که ارتباطی عمیق با "نعمة الباقیة الاحدیة الابدیة..."، مندرج در سورة الاستقلال دارد نقل می‌نماید که پس از تصریح به این مطلب که "از برای نعمت مراتب لانهایه بوده و خواهد بود..."، چنین می‌فرماید:

«... ولكن نعمت کلیه حقیقیة الهیه نفس ظهور است که جمیع نعمت‌های ظاهره و باطنه طائف حول اوست در حقیقت اولیّه پائیده سمائیّه او بوده و خواهد بود. اوست حجّت اعظم و برهان اقوم و نعمت اتم و رحمت اسبق و عنایت اکمل و فضل اکبر. هر نفسی الیوم اقبال نمود او به نعمت الهی فائز است...». ("آثار قلم اعلی"، ج ۵، ص ۵۲)

۱۴- در فقره دیگری از سوره الاستقلال چنین مذکور است: «... انّ الذین تولّوا عن الصّراط تالله الحقّ لو یأتیهم الله بسلطان مبین او یأتی بكلّ آیه او بعلم ما کان وما یکون او ینظر عن افق القدس بجنود من الملائکة و یبعث کلّ عظام نخره لن یؤمنوا ولن ینسألوا...».

مضمون مطلب در این عبارات آن است که: کسانی که از صراط لغزیده‌اند اگر خداوند برای آنان همه دلایل و شواهد و معجزات را بیاورد و ظاهر کند ایمان نخواهند آورد و به درک حقایق موفق نخواهند شد.

برای ملاحظه توضیح مطالب درباره صراط می‌توان به آثاری نظیر "معارف و معاریف" (ج ۳، ص ۱۳۹۵) و "فرهنگ اساطیر" (۱۲)، (ص ۲۸۶) و "دانشنامه قرآن" (ج ۲، ص ۱۳۷۱-۱۳۷۲) مراجعه نمود.

صراط در لغت به معنی راه و مسیر است. صراط مستقیم که عبارتی قرآنی است به معنی دین الهی است. از امام صادق در معنی "اهدنا الصراط المستقیم" چنین روایت شده است که فرمود: یعنی خداوند ما را به راه راست هدایت فرما، راهی به دستمان بده که به محبت تو منتهی گردد و به دینت رساند و ما را از پیروی هوای نفس باز دارد. مبدا تباہ گردیم یا خودسرانه زندگی کنیم که به هلاکت رسیم. ("معارف و معاریف"، ج ۳، ص ۱۳۹۵)

صراط را البته به معنی پلی میان بهشت و دوزخ نیز دانسته‌اند که مردمان در قیامت از آن عبور می‌کنند و آن پل از موباریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر است.

شمّه‌ای از آثار مبارکه بهائی درباره ملائکه در "یادنامه مصباح منیر" (ص ۴۱۶-۴۱۷) مندرج است. ملائکه در معارف اسلامی، چنان که از مقاله مندرج در ذیل "فرشتگان" در "دانشنامه قرآن"، جلد دوم، بر می‌آید، قادرند که کارهای خارق‌العاده انجام دهند و قدرتی شگرف دارند، آنان مطیع محض اوامر الهی‌اند، از عبادت پروردگار ملول نمی‌شوند، دائماً به ذکر حق مشغولند، در همه جا حاضرند و حتی برخی از آنان به عنوان رسول الهی برگزیده می‌شوند. آنان به منزله جنود الهی‌اند و اقسام مختلف و تکالیف و وظایف گوناگونی به عهده دارند.

۱۵- در سوره الاستقلال چنین مذکور است که: «... و اذا تتلی علیهم آیات الله یخرون علی الذنن سجداً لله الذی خلقهم بامر من عنده...».

توضیح مختصر جناب فاضل درباره فقره‌ای از این بیان مبارک در صدر مطالب این مقاله نقل گردید. در آیه ۵۸ سوره مریم-۱۹ نیز خداوند چنین می‌فرماید: «... اذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و بکیاً». مفهوم کلام الهی آن‌که: چون آیات خداوند رحمن بر آنان، یعنی بر آنان که در کشتی نوح سوار کرده بودیم، خوانده می‌شد، آنان گریه کنان به سجده می‌افتادند.

۱۶- و نیز جمال قدم در سوره الاستقلال می‌فرمایند: «... فسوف يرفعهم الله الى مقاعد القدس و يسمعون نغمات طيور البقاء عند سدرة المنتهى و يحفظهم عن كل بلاء و فتن...».

بیان جمال قدم در وصف اهل ایمان است که خداوند آنان را به بهشت می‌برد و در آنجاست که مؤمنان از همه نعمای الهی مرزوق می‌شوند و از جمیع بلیات و آفات در امان هستند. در بهشت است که نغمات طيور بر سدره‌المنتهی شنیده می‌شود.

اصطلاح "مقاعدالقدس" یادآور اصطلاح "مقعد صدق" در قرآن است که در آیات ۵۴-۵۵ سوره قمر-۵۴ در حق مؤمنان و متقیان می‌فرماید: «انَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ». مفهوم کلام الهی آن‌که: پرهیزگاران در باغ‌ها و جوار جویبارها هستند. در مقام و منزلتی راستین نزد فرمانروای مقتدر و توانا.

اصطلاح سدره‌المنتهی نیز اصطلاحی قرآنی است. در آیات ۱۳-۱۵ سوره نجم-۵۳ می‌فرماید: «و لقد رآه نزلةً اخرى. عند سدرة المنتهى. عندها جنّة المأوى». مفهوم کلمات الهیه آن‌که: رسول الله بار دیگر نیز جبرئیل را در نزدیکی سدره‌المنتهی دیده بود، جایی که جنّة المأوی هم نزدیک آن است.

سدره‌المنتهی را در معارف اسلامی درختی در فلک هفتم دانسته‌اند و آن را نهایت درجه ارتقاء اعمال خلق و علوم ملائکه آسمانی پنداشته‌اند. بر اساس حدیثی که از امام محمد باقر روایت شده است و مضامین آن در ذیل "سدره‌المنتهی" در کتاب "معارف و معاریف" (ج ۳، ص ۱۲۱۰) آمده است آن حضرت چنین فرموده است که چون پیغمبر در شب معراج به محلّ سدره‌المنتهی رسید جبرئیل از رفتن باز ایستاد و گفت ای محمد حدّ من تا اینجا است و خداوند مرا رخصت نداده است تا بیش از این پیش روم اما تو پیش رو.

لذا سدرۃ المنتهی به حدّ نهائی وصول و ترقّی و قریبّت انسان به درگاه قدس الهی اطلاق می‌گردد. به قول سعدی در "بوستان" (بیت ۷۷-۷۸) آنجا که به معراج رسول الله اشاره می‌کند می‌فرماید:

شبى برنشست از فلک برگذشت به تمکین و جاه از ملک برگذشت
چنان گرم درتیه قربت براند که درسدره جبریل از اوباز ماند (۱۳)

توضیحات دکتر یوسفی ("بوستان"، ص ۲۱۴) حاکی از آن است که:

"برنشست: برنشستن به معنی سوار شدن بر اسب است. مصراع اول اشاره است به شب معراج یعنی صعود پیغمبر اسلام به آسمان که از معجزات اوست و آیاتی از قرآن کریم را مربوط به آن دانسته‌اند: سوره اسری (۱۷) آیه ۱؛ آیات اول سوره نجم (۵۳).

به تمکین و جاه... یعنی از حیث احترام و مقام و منزلت از فرشته نیز برتر رفت. مقصود آن است که چون پیغمبر در معراج به سدرۃ المنتهی (درختی در عرش) رسید جبرئیل که راهنمای او بود از پیش رفتن و همراهی با وی باز ماند زیرا هیچ فرشته مقربّی از آن جا فراتر نمی‌توانست رفت و منتهای صعود فرشتگان تا آن جا بود...".

شمه‌ای از نصوص و آثار مبارکه بهائی درباره "سدره - سدرۃ المنتهی" در صفحات ۲۸۲-۲۸۴ کتاب "یادنامه مصباح منیر" به طبع رسیده است.

۱۷- جمال قدم در سوره الاستقلال می‌فرمایند: «... وهذه مياه القدم قدنزل من سماء القلم وتلك رشحاتها فهنيئاً لمن يشرب منها و من هذا اللبن».

عبارات فوق ناظر به توصیف جنت است که وصف آن در آیه شماره ۱۵ در سوره محمد- ۴۷ آمده است. خداوند در این آیه مبارکه چنین می‌فرماید:

«مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير اسنٍ وانهار من لبنٍ لم يتغير طعمه وانهار من خمرٍ لذة للشّاربين وانهار من عسلٍ مصفّی ولهم فيها من كلّ الثمرات ومغفرة من ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا ماءً حميماً فقطع امعائهم».

مفاهیم کلمات الهی آن که: وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است چنین است که در آن جوی‌هایی از آب گوارا و جوی‌هایی از شیر که مژه‌اش تغییر ناپذیر است و نیز جوی‌هایی از شراب که آشامندگان آن را لذت و نشئه می‌بخشد و جوی‌هایی از عسل مصفّی جاری است و نیز برای آنان انواع میوه‌ها موجود است و اهل بهشت مورد مغفرت الهی هستند. آیا ساکنین بهشت همانند کسانی هستند که جاودانه در آتش دوزخ می‌سوزند؟ به ساکنین دوزخ آبی جوشان نوشانده می‌شود که دل و روده آنان را پاره پاره می‌کند.

با توجه به عباراتی از سورة الاستقلال و ارائه شواهد قرآنی‌ای که در آن عبارات به تصریح و تلمیح مذکور شده این مطلب واضح می‌گردد که این سورة مبارکه که بنا بر تصریح جناب فاضل مازندرانی در ایام ادرنه عزّ نزول یافته یکی از آثار مبارکه مهمّه آن ایام (۱۸۶۳-۱۸۶۸ میلادی) در تبیین بعضی از امّهات مطالب کلامی قرآن مجید، نظیر مفاهیم جنّت، جحیم، هاویه، نار، رضوان، صراط، انفطار سماء و انشقاق ارض و از این قبیل است در عین حال با به کار بردن اصطلاحات قرآنی نظیر سفینه، زلزال ارض، منافق، مشرک، سدره‌المنتهی، ماء، لبن و ده‌ها تعبیر دیگر قرآنی که شرح مختصر بعضی از آنها در سطور فوق مذکور شد جای تردید باقی نمی‌ماند که جمال قدم در سورة الاستقلال به وضوح به تحقّق انذارات، بشارات و وعد و وعید مندرج در آیات قرآنی در ایام خود تصریح فرموده‌اند و همان طور که در مقدمه این مقاله نیز مذکور شد تحقّق و ظهور مصادیق مکنونه در آن سفر کریم را در شئون، دعاوی و کیفیت ظهور خود و نیز در اوضاع و احوال فکری، مذهبی و اجتماعی جامعه در ایام ادرنه به اثبات رسانده‌اند. بحث از وجود شرک و نفاق، تثبیت مقام اهل ایمان در جنّت و تعیین جایگاه اهل شرک در جحیم، نقش آیات نازل به منزله آب و شیر برای سیرابی و رزق اهل ایمان و رجوع کافران به نار و آسایش و آرامش اهل ایمان در سفینه نجات الهی به قیادت ملاح قدسی کلّ یادآور مخالفت یحیی ازل، قیام او و پیروانش علیه جمال قدم و امتحانات و افتتانات و تحولات امر الهی در آن ایام است. بدیهی است که در این مقام جایی برای شرح و بسط اوضاع و احوال فکری و اعتقادی اهل بیان و پیروان یحیی ازل و از طرف دیگر افکار و عواطف آنان که به عرفان جمال قدم فائز شده‌اند نیست اما مراجعه به منطوق سورة الاستقلال و فصول مربوط به تاریخ امر الهی در سنین اقامت جمال قدم در ادرنه، در کتبی

نظیر "کتاب قرن بدیع" و کتاب "بهاء الله شمس حقیقت" می‌تواند ارتباط بین مندرجات سورة الاستقلال و اوضاع جامعه را در آیام ادرنه واضح و آشکار سازد.

از طرف دیگر جمال قدم در سورة الاستقلال آیات قرآنیه و تبیین و توضیح آنها را محور مطالب خود قرار داده‌اند تا توجه ناس را به این حقیقت معطوف دارند که آنچه در آن کتاب مجید به رمز و استعاره و به لحن مشابه مذکور شده کلّ تحقق یافته و معانی باطنی آنها به ظهور پیوسته است.

واضح است که بسیاری از پیروان اولیه جمال قدم از جمله مخاطب این اثر، یعنی جناب زین المقرّبین نجف آبادی که از بطن جوامع اسلامی و با اعتقادات قرآنی به امر جدید گرویده بوده‌اند با ملاحظه مندرجات این لوح می‌توانسته‌اند بین کیفیات، خصوصیات و تحولات امر جدید با معارف اسلامی ارتباط عقلی، عاطفی و اعتقادی برقرار سازند و اصل وحدت اساسی بین معارف ادیان الهیه را بهتر درک نمایند.

جان کلام و لبّ لباب مطلب در سورة الاستقلال تصریح بی‌چند و چون به "اتی الجمال علی ظلل الاستقلال" است، بدین معنی که مظهر الهی با جمال و جلال و عظمت ملکوتی خود و با قدرت و قوّت و هیمنه و استقلالی که به هیچ رادع و مانع و قدرتی از نفوذ و تأثیر جوهری خود باز نمی‌ماند عالم وجود را زینت بخشیده و همه ارکان و اعضاء و جوارح عوالم ملک و ملکوت را در تحت سیطره بلامنازغ خود قرار داده است. این حقایق که مظهر ظهور الهی "بسلطان الاستقلال" ظاهر شده و بر "عرش العظمة والاستقلال" استقرار یافته و مقصود عالم "بسلطان العظمة والاستقلال" تاج ظهور بر سر نهاده در ده‌ها اثر جمال قدم با نهایت سطوت و صلابت تنصیص گشته است. جمال قدم از جمله می‌فرماید:

«... قل یا قوم لا تکفروا بالله و آیاته بعد الذی اشرق شمس الجمال عن افق الجلال و وقف فی قطب الزوال بسلطان الاستقلال و ینطق فی کلّ حین بابدع النعمات بان یا ملأ الارض لاتحرموا انفسکم عن جماله و لا ابصارکم عن النظر الی وجهه و لا آذانکم عن استماع آیاته و لا قلوبکم عن عرفان نفسی العزیز المحبوب...» (۱۴)

و نیز جمال قدم در "کتاب بدیع" که آن هم در آیام ادرنه عزّ نزول یافته چنین می‌فرماید:

«... اگر بصر انصاف مفتوح، مشاهده می‌نماید که شبه این ظهور در ابداع نیامده، و يشهد بذلك ما نزل من جبروت الله المهیمن العزیز القدير. فافتح بصراک لتشهد بأن جمال الظهور قد کان حینئذ مستقرّاً علی عرش العظمة و الاستقلال و عن یمینه نقطه البیان بسلطان العزة و الإجلال، و عن

يساره محمّد رسول الله بأنوار الله العزيز المتعال، وفي مقابله الوجه قد قام الرّوح بقبيل من ملاّ الأعلیٰ ونزل بالحقّ إن أنتم تفقهون، ثمّ عن خلفه صفوفاً من ملكة السّماء بأباريق من كوثر البقاء وأكواب من التّسليم إن أنتم تعلمون...» (١٥)

و نیز جمال قدم در لوح پاپ چنین می فرماید:

«... تالله الحقّ لو يحرقونه في البرّائه من قطب البحر يرفع رأسه وينادي أنّه اله من في السّموات و الارض و لو يلقونه في بئر ظلماء يجدونه في عُلى الجبال ينادى قد اتى المقصود بسطان العظمة و الاستقلال و لو يدفونه في الارض يطلع من افق السّماء و ينطق بأعلى النّداء قد اتى البهاء بملكوت الله المقدّس العزيز المختار و لو يسفكون دمه كلّ قطرة منه تصيح و تدعو الله بهذا الاسم الّذى به فاحت نفحات القميص في الاشطار...» (١٦)

یادداشت‌ها

١- اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ١٢٨ بدیع)، ج ٣، ص ٢٠٠

در جمله منقول کلمه "آیات الله" افتاده است. جمله صحیح چنین است: «و اذا تتلى عليهم آیات الله یخرون علی الذقن...».

٢- اسرار الآثار، ج ٤، ص ٤٤٠. چنانچه نقل شد در اسرار الآثار "رحی الارض" آمده که باید به "دحی الارض" تبدیل شود. همچنین "انطق الورقاء" باید به "نطق الورقاء" تبدیل گردد. در صدر کلام، "سبحان الّذی" نیز باید به "فسبحان الّذی" مبدّل گردد.

٣- اسرار الآثار، ج ٤، ص ٥٢٠

٤- اسرار الآثار، ج ٥، ص ٢١٩

٥- نگاه کنید به کتاب عالم بهائی (The Baha'i World)، ج ٢٠، ص ١٠٣٧-١٠٣٨ به زبان انگلیسی

۶- ترجمه آیات قرآنی که در این مقاله به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد اصولاً از قرآن کریم - ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی (طهران: دوستان، ۱۳۸۶) است که گهگاه به تناسب مقام و عبارت مورد دخل و تصرف قرار گرفته است.

۷- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار (طهران: اسلامیّه، ۱۳۶۶ شمسی)، ج ۹۷

۸- بهاء‌الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (طهران: دوستان - ناهید، ۱۳۳۷ شمسی)، ج ۲

۹- سید جعفر سجّادی، فرهنگ تعبيرات عرفانی (فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبيرات عرفانی)، (طهران: طهوری، ۱۳۵۰ شمسی)

۱۰- وحید رافتی، یادنامه مصباح منیر (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۲۰۰۶ میلادی)

۱۱- سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۹ شمسی)، ج ۵

۱۲- محمدجعفر یاحقی، فرهنگ اساطیر (طهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و سروش، ۱۳۶۹ شمسی)

۱۳- سعدی شیرازی، بوستان سعدی (طهران: خوارزمی، ۱۳۶۳ شمسی)، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی

۱۴- حضرت بهاء‌الله، آثار قلم اعلی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۴ بدیع)، ج ۷، ص ۳۶۶

۱۵- حضرت بهاء‌الله، کتاب بدیع (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۲۰۰۸ میلادی)، ص ۸۰

۱۶- حضرت بهاء‌الله، آثار قلم اعلی (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۹۶ میلادی)، ج ۱، ص ۳۷